

سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران

ابوالحسن کبیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

چکیده: مفاهیم سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت، مثلی الزام‌آور برای سیاست خارجی ج.ا.ایران است. چارچوب نظری پژوهش، بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است. تعابیر بیان شده این ظرفیت را دارد که به چارچوبی کلان و به تبع آن به برنامه‌ای راهبردی بدل شود تا دیپلماسی همواره و در همه دولت‌ها بر محور آن حرکت کند. هدف پژوهش، تبیین سیاست خارجی از منظر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، با رویکرد کمی و با استفاده از تکنیک دلفی انجام شده است. نتایج پژوهش حکایت از این دارد که شکست در دست‌یابی به اهداف در سیاست خارجی الزاماً به معنای خدشه در عزت ج.ا.ایران نیست. ایران در نظر کشورهای غربی به ویژه آمریکا، کشوری شکست‌ناپذیر نیست. رفتار حکیمانه الزاماً به معنای پیگیری یک سیاست در همه زمان‌ها و مکان‌ها نیست. آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، حفظ نظام است. چنانچه زمانی اصل و موجودیت نظام در خطر باشد و ادامه دشمنی علیه آمریکا، موجودیت نظام را با خطر روبه‌رو سازد، می‌توان به نحو موقتی از این دشمنی دست کشید. ادامه کمک به حزب‌الله و حماس، با توجه به رویکرد تقابلی آن‌ها نسبت به رژیم صهیونیستی، به مصلحت نظام ج.ا.ایران است.

واژگان اصلی: عزت، حکمت، مصلحت، سیاست خارجی.

۱. دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

تصمیم با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به فرمان امام خمینی^(ره) در سال ۱۳۶۸، مفهوم مصلحت به ابتکار ایشان، از حوزه فقه، وارد عرصه سیاسی و اجتماعی ج.ا.ایران شد. مفهوم مصلحت در سپهر سیاسی و اجتماعی کشور چنان ارتقا یافت که به یکی از مفاهیم اصلی نظریه پردازی در این حوزه بدل گشت. مقام معظم رهبری با اشاره به مفاهیم سه گانه عزت، حکمت و مصلحت، آن‌ها را مثلث الزام آور سیاست خارجی می دانند. ایشان این مهم را همواره به دستگاه دیپلماسی دولت‌ها یادآوری کرده‌اند:

«این سه شعار عزت، حکمت، مصلحت را درست باید بفهمیم؛ اگر توانستیم این‌ها را عملیاتی بکنیم، سیاست خارجی ما همان چیزی خواهد شد که نیاز کشور به آن است و شایسته‌تر از نظام جمهوری اسلامی است» (بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶)

چالش اصلی سیاست خارجی ج.ا.ایران، گاه سلیقه‌ای عمل نمودن دستگاه دیپلماسی و بی‌توجهی به مفاهیم سه گانه است. با آنکه تلاش‌های بسیاری برای انطباق سیاست خارجی بر پایه عزت، حکمت و مصلحت انجام شده، لیکن تاکنون تلاش مدون علمی جهت ارائه مصادیق و موضوعات روز مبتنی بر مفاهیم سه گانه از منظر مقام معظم رهبری ارائه نشده است. پرسش ما آن است که با توجه به تحولات منطقه و جهان، مصادیق و موضوعات مهم در عرصه سیاست خارجی ج.ا.ایران مبتنی بر مفاهیم سه گانه عزت، حکمت و مصلحت کدامند؟ تشریح مفهومی تعابیر عزت، حکمت و مصلحت با استعانت از منظومه فکری مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) ضمن روشن کردن معانی آن‌ها و کاستن از تشتت و اختلاف تفاسیر در میان اندیشمندان و سیاسیون، می‌تواند مبنای مستمسک دقیقی برای اقدام در عرصه سیاست خارجی و برای نیل به منافع ملی باشد. از سوی دیگر، یکی از مشکلات ساختاری در عرصه سیاست خارجی ج.ا.ایران، نبود یک برنامه راهبردی است. دیپلماسی موفق، باید بر محور و مدار برنامه دقیق و روشن راهبردی استوار باشد. اگر این مهم تحقق یابد، چرخش‌های بسیار در دستگاه دیپلماسی، هم‌زمان با تغییر دستگاه اجرایی کمتر خواهد بود. با برنامه راهبردی روشن در ابعاد کوتاه، میان و بلندمدت، می‌توان انتظار داشت سیاست خارجی برآیندی از اهداف نظام جمهوری اسلامی و نه اهداف دولت‌ها باشد.

تعابیر عزت، حکمت و مصلحت و کاربست آن در عرصه سیاست خارجی، همواره توسط

مقام معظم رهبری تأکید می‌شود. این تعبیر می‌تواند به چارچوبی کلان و به تبع آن به یک برنامه راهبردی روشن بدل شود تا دیپلماسی همواره و در همه دولت‌ها بر محور آن حرکت کند. این مفاهیم سه‌گانه می‌تواند باعث ایجاد راهبرد ثابت در تمام دولت‌ها برای جلوگیری از نفوذ دشمن شده و بی‌توجهی به آن باعث سلیقه‌ای عمل نمودن دولت‌ها و نفوذ دشمن در دستگاه دیپلماسی کشور و نهایتاً غافلگیری راهبردی سیاست‌مداران از نیات پلید دشمن می‌گردد.

مبانی نظری

عزت^۱، حالت اسم مصدر عربی و به معنای ارجمندی و بزرگواری است (دهخدا، ۱۳۸۹: ۱۵۸۶۰). عزت در لغت یعنی شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. در اصل از «ارض عزاز»؛ یعنی زمین محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است (حق‌پناه، ۱۳۸۱: ۱۲۸). در تفسیرالمیزان، آیه ۱۰ سوره فاطر^۲ می‌آید، عزت آن حالتی است که انسان را شکست‌ناپذیر کرده و در واقع اجازه مغلوب شدن به او را نمی‌دهد؛ چراکه شکست‌ناپذیری مختص خدای متعال است و هر کس غیر از خدا در ذاتش فقیر است و در نفسش ذلیل، لذا غیر خدا همه شکست‌پذیرند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۱۷). حکمت^۳ آن است که تو را بر امر حق که باطلی در آن نیست واقف کند (طبرسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۵). حکمت، معرفت نافع بوده و دلالت بر نوعی اتقان که خللی در آن نیست می‌کند و غالباً در عقلیات صادقی که احتمال خطا در آن راه ندارد، استعمال می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۹۵). حکمت مجموعه‌ای از معرفت، علم، اخلاق پاک، تقوا و نور هدایت است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۶). واژه مصلحت^۴ از حیث لغت شناسی بر وزن منفعت و در وجه مصدری به معنای صلاح است. در زبان فارسی معانی متعددی برای واژه مصلحت در نظر گرفته شده که دارای ریشه معنایی واحدی هستند. از جمله خیر، خوشایند، لذت، علاقه، سود، نعمت، حکمت و علت. شاید بتوان به تعبیر غزالی نزدیک‌ترین معادل را برای واژه مصلحت از حیث لغوی مفهوم منفعت دانست (افتخاری، ۱۳۹۰: ۲۰). در دیدگاه اسلامی، معمولاً مصلحت را عبارت

1. Esteem

۲. مَنْ كَانَ يُرِيدَ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا، "کسی که در پی کسب عزت درآید بداند که عزت همه اش نزد خدا است"

3. Wisdom

4. Expediency

از تأمین هدف شارع دانسته‌اند که به نحوی همه تعاریف لغوی بالا را در خود جای می‌دهد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۳).

ترکیب سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری به‌کاربرده شد. تعابیر بیان‌شده که همواره توسط مقام معظم رهبری در لزوم کاریست آن در عرصه سیاست خارجی تأکید می‌شود، این ظرفیت را دارد که به چارچوبی کلان و به‌تبع آن برنامه راهبردی روشن بدل شود تا دیپلماسی همواره و در همه دولت‌ها بر محور آن حرکت کند. مقام معظم رهبری (مدظله-العالی) در این راستا معتقدند: «عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۸/تیرماه/۱۳۷۰).

«یکی دیگر از ارزش‌ها این است که سیاست خارجی ما به سه اصل عزت و حکمت و رعایت تقیه در آن مواردی که باید تقیه کرد متکی باشد. معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد. بین این دو تفاوت است. کارآمدان این کارها، می‌توانند خوب بفهمند. حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الآن بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این، حکمت است. خیال نکنید این‌ها از اسلام نیست؛ نخیر، آنجایی که جایش باشد، از اسلام است؛ کما این که رسول اکرم (ص) با خیلی‌ها - از جمله با یهود اطراف مدینه مذاکره کرد. از آن سه طایفه، با یک طایفه جنگید و دو طایفه‌ی دیگر را نفی بلد کرد: «هوآلذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب من دیارهم لاوکل العشر ماظننتم ان یخرجوا و ظنوا انهم مانعتهم حصونهم من اللّٰه فاتاهم اللّٰه من حیث لم یحتسبوا و قذف فی قلوبهم الرّعب یخربون بیوتهم بایدهم وایدی المؤمنین فاعتبروا یا اولی الابصار». خود شما مسلمان‌ها هم خیال نمی‌کردید که بناست این‌ها روزی از اینجا بروند؛ اما رفتند. بنا شد که خدای متعال این‌ها را اخراج کند و دیدید که اخراج کرد. پیامبر اکرم (ص) در حدیبیه با کفار قریش قرارداد بستند. حتی با بعضی از کفار، قرارهای بلندمدت داشتند؛ یعنی هیچ انگیزه‌ی دعوایی در کار نبود. این موضوع، در خود قرآن هم مشخص است: «الاینهاکم اللّٰه عن الذین لم یقاتلوکم فی الدّین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا

الیهم». آن کفاری که با شما مسئله و دعوا و سابقه‌ی سویی ندارند و به شما ظلم نکردند و اخراجتان نکردند، شما می‌توانید با آن‌ها ارتباطات حسنه داشته باشید؛ بنابراین، وقتی از حکمت صحبت می‌کنیم، یعنی رعایت مصلحت جمهوری اسلامی و ملاحظه تمام استفاده‌هایی که این نظام می‌تواند از ارتباط با آن دولت‌ها ببرد. باید بر این اساس حرکت کنیم. وقتی از تقیه صحبت می‌کنیم، ممکن است بگویید تقیه متعلق به آن زمانی بود که دولت مساطی بر سرکار بود و ما هم مخفی بودیم و از ترس او چیزی نمی‌گفتیم. نه همان وقت هم تقیه مسئله ترس نبود. تقیه سپر مؤمن است. سپر را کجا به کار می‌برند؟ سپر در میدان جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و به هنگام درگیری به کار می‌آید» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۳۸/۱۱/۰۹)

۱) عزت از منظر مقام معظم رهبری

«آنچه مهم است حفظ این عزت ملی است. برادران و خواهران من و ملت بزرگ ایران. این را همه باید توجه کنیم، این عزت ملی را باید حفظ کنیم... اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته‌های خود به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به القبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود به چشم حقارت نگاه کند، آن‌ها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت به راحتی در جنبه سلطه بیگانگان قرار می‌گیرد» (بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۰۲/۲۲).

«عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود، به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود- نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند» (بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۰۲/۲۲).

بر اساس منویات مقام معظم رهبری می‌توان نتیجه گرفت که راه‌های کسب عزت، ایمان، جهاد، احترام به همه افراد جامعه، تقویت روحیه کار و تلاش و امید، اقتدار نیروهای مسلح و ایستادگی در برابر قدرت‌های بزرگ هستند. با توجه به معنای شکست‌ناپذیری که برای واژه عزت مطرح است، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در بحث امنیت ملی، آن رفتاری در اندیشه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) عزت‌مندانه است که برای کشور توأم با سربلندی و بزرگی و شکست‌ناپذیری باشد.

۲) حکمت از منظر مقام معظم رهبری

«حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطقی و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی می‌گویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟ گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد! نه اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیر حکیمانه درآید! همان‌طور که آقای دکتر ولایتی اشاره کردند و درست هم است، وزارت خارجه یک دستگاه انسانی عظیم است. از لحاظ نیروی انسانی، واقعاً دستگاه پر ذخیره‌ای است. به حمدالله انسان‌های خوب، انقلابی، مسلمان، اکثراً یا عموماً بچه‌های انقلاب، جوانان انقلابی مؤمن، با فکرهای خوب در وزارت خارجه حضور دارند. ما چرا از تلاش و تفکر و سنجش و عقلیت بچه حزب‌اللهی‌های خودمان مأیوس باشیم؟ دیدیم که بچه حزب‌اللهی‌های خودمان، همین برادران وزارت خارجه، همین عناصر مؤمن و خوب، در یک تجربه‌ی سیاسی مثل جنگ خلیج فارس که چیز خیلی عظیمی بود و چقدر افراد اشتباه کردند یا مثل قضیه‌ی قطعنامه، چگونه از خودشان عقل و شخصیت و هوشمندی نشان دادند. در ارتباطات فراوانی، همین‌طور است. کار را سنجیده انجام بدهیم. کارهای نسنجیده انجام نگیرد؛ چون ضرر کار نسنجیده در اینجا، با ضرر کار نسنجیده فرضاً در اداره‌ی ثبت احوال فلان جا یا وزارت صنایع یا وزارت دیگر فرق می‌کند. ضرر کار نسنجیده در اینجا، عمیق‌تر و عمومی‌تر و چشمگیرتر و نقدتر است. کار نسنجیده نباید انجام بگیرد، حرف نسنجیده نباید زده بشود. جوانب هر کاری باید خوب سنجیده بشود و بعد انجام بگیرد. این، معنای حکمت است» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

«حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید... یعنی تسلیم، انضام، نه در مرحله باورهای قلبی و نه در مرحله عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد؛ این با حکمت امکان‌پذیر است» (بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۷).

به‌طور خلاصه معظم‌له در پرداختن به مفهوم حکمت به آینده‌نگری، رفتار مسئولانه و داشتن نگاه بلندمدت، در نظر داشتن مصلحت اسلام و نظام اسلامی و همچنین بهره‌گیری از آموزه‌های عملی دین اسلام همچون تقیه، تأکید داشته‌اند.

۳) مصلحت از منظر مقام معظم رهبری

«مراد، مصلحت شخص من و شما نیست که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما - به خصوص شما - شروع می‌شود» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۸ تیرماه ۱۳۷۰).

«امروز به حمدالله ملت ایران این بصیرت، این آگاهی، این معرفت والا را یافته است که بدانند مصلحت آینده کشورش بستگی دارد به اتحاد اسلامی، با ملت‌های مسلمان و با کشورهای دیگر. البته تلاش می‌کنند کسانی، کوشش می‌کنند، سعی می‌کنند، اختلال ایجاد کنند، بدبینی ایجاد کنند، وسوسه بکنند لکن ملت به حمدالله این را ملت ما امروز فهمیده است» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین اجلاس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۹/۱۰/۱۳۹۳).

مصلحت در واقع اعم از منافع ملی است. به عبارت بهتر کسب قدرت بین‌المللی، توسعه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و... در راه رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای ضروری است. اما اگر دولتی این اهداف را سرلوحه رفتار خویش در عرصه سیاست خارجی قرار دهد، نمی‌توان گفت آن دولت در این عرصه مصلحت سنجی کرده است.

۴) امنیت ملی

امنیت ملی مفهومی معطوف به همه تهدیدهای ناشی از خارج از مرزها است. این تهدیدها در مرحله اول به صورت بحران در روابط دیپلماتیک کشورها بروز نموده و در صورت استمرار، به صورت تحریکات سیاسی و تبلیغاتی و در نهایت به شکل زدوخورد محدود ادامه می‌یابند. در صورتی که یکی از طرفین درگیر، کشور قدرتمندی باشد، ادامه تنش‌ها به صورت تحریم‌های بین‌المللی و در حادترین شکل به صورت نزاع تخاصمی و جنگ بروز می‌کند (مرادیان، ۱۳۹۷: ۶۱).

پیروان مکتب واقع‌گرایی تهاجمی، دولت‌ها را بازیگر اصلی صحنه روابط بین‌الملل دانسته و معتقدند که برونداد قدرت‌های بزرگ، تعیین‌کننده سیاست‌های بین‌المللی است (Schweller,

121- 90: 1996). این نظریه‌پردازان در حوزه امنیت به مسائلی همچون، امنیت بین‌الملل، بقا، مسائل امنیتی مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در تحصیل امنیت، دولت‌محوری در مرجع امنیت و هرج و مرج طلبی، می‌پردازند (Mearshiemer, 2001: 4).

این دیدگاه متکی به نظریه موازنه قوا بوده و به همین دلیل منطق حاکم بر روابطشان با دیگران بر اساس قاعده حاصل جمع صفر است. پیروان مکتب واقع‌گرایی تدافعی، به عوامل ساختاری در سطح نظام بین‌الملل تأکید بیشتری دارند و به قدرت نه به منزله یک هدف، بلکه به مثابه ابزاری برای حفظ امنیت نگاه می‌کنند. این نظریه‌پردازان در حوزه امنیت معتقدند، گرچه دولت‌ها به دنبال امنیت حداکثری هستند، اما محدودیت‌های ساختاری مانع از رسیدن دولت‌ها به اهداف خود هستند. بر اساس این نظریه موازنه تهدید، از موازنه قدرت مهم‌تر است (Talياهو, 1999: 8).

۵) سیاست خارجی ج.ا.ایران در چهل سالگی انقلاب اسلامی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در مقاطع مختلف، به‌ویژه تحت فشارهای بین‌المللی و در رأس آن آمریکا، اهداف و استراتژی‌های متفاوتی را دنبال کرده و طی چهار دهه، شبیه هم نبوده است. استکبارستیزی و رویارویی با آمریکا به عنوان شاخصه اصلی این رویکرد، مبنای سیاست خارجی ۴۰ سال اخیر ایران بوده و در سال‌های نخستین تأسیس جمهوری اسلامی، این رویارویی، در پیوند با ایده صدور انقلاب و همچنین موقعیت ویژه ناشی از حمله عراق، چالش‌های گسترده و بی‌سابقه و در موارد متعددی نیز انزوا را برای ایران در منطقه و جهان به همراه آورد. نکته مهم این است که دولت‌های عربی و مسلمان از این ویژگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که در قانون اساسی خود (اصل ۱۵۲)، دفاع از مسلمانان جهان را وظیفه خود می‌داند، با اینکه در دوران مختلف این سیاست خارجی با افت و خیز مواجه شده، نگران هستند و تقویت بنیه نظامی و هسته‌ای و موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را بر نمی‌تابند. به همین دلیل، ناکامی در مواجهه با این توانمندی‌های ایران، اکنون تضعیف و نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و افزایش نارضایتی مردم ایران را سرلوحه خود قرار داده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران تمام‌عیار از حقوق مردم فلسطین و برخی دیگر از مسلمانان در کشورهای گوناگون دفاع می‌کند و هزینه‌های آن را نیز می‌پردازد؛ اما درباره رفتار روسیه بر مسلمانان چچن، اینگوش و داغستان و اقدامات چین علیه مسلمانان ایغور در سین کیانگ سکوت

کرده و حتی موضع سیاسی نیز در حمایت از مسلمانان این دو کشور اتخاذ نمی‌کند و بدین ترتیب اولویت منافع ملی بر رویکرد ایدئولوژیک را به تصویر می‌کشد. استقلال، تمامیت ارضی، حفظ نظام و منافع ملی ایجاب می‌کند ایران در سه جبهه مبادرت به بهبود اوضاع کند:

الف) ایجاد وحدت در جبهه داخلی از طریق شنیدن صداهای دلسوز، مبارزه با فساد و ناکارآمدی، شایسته‌سالاری، مذاکره، تعامل و تنش‌زدایی در جبهه منطقه‌ای و خارج نزدیک با هدف تأمین امنیت منطقه‌ای، خارج کردن سلاح تفرقه بینداز و حکومت کن از دست آمریکا، رسیدن به یک مدل همکاری‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی و در جبهه بین‌المللی تعامل با همه کشورهای سازمان‌های بین‌المللی، سوق دادن آمریکا به لغو تحریم‌ها و بازگشت به برجام با تضمین بین‌المللی و عزیمت به سوی مذاکره برای حل‌وفصل حداکثری مشکلات موجود در ابعاد منطقه‌ای، بین‌المللی و دوجانبه؛

ب) در عرصه دیپلماسی عمومی و رسانه‌های گروهی در سطح جهان با مشارکت کشورهای همسو طرحی نو دراندازد و برای ارائه دکترین نوینی در صحنه بین‌المللی با مشارکت دولت‌ها، احزاب سیاسی و نهادهای غیرحکومتی برای نزدیک کردن این کشورها به یکدیگر، ایجاد مدل‌های همکاری چندجانبه‌ای بر اساس اولویت دیدگاه‌ها و منافع مشترک و پرهیز از اختلاف‌افکنی یا توقف در ایستگاه اختلاف‌ها، در راستای تقویت ایستادگی این کشورها در برابر آمریکا و حرکت در مسیر چندجانبه‌گرایی گام بردارد. البته رسیدن گام‌به‌گام به این هدف نیازمند رایزنی‌های پیوسته در سطوح مختلف دولتی و تنش‌زدایی در روابط خارجی خواهد بود. در همین راستا کشورهای اروپایی، چین، روسیه، هند، ترکیه و کشورهایی از میان گروه بیست می‌تواند مدنظر باشد که احتمال ایجاد گروه سی یا چهل بدون حضور آمریکا دور از ذهن نیست؛

پ) اولویت رویکرد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و امنیتی بر رویکرد نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی. این مدل می‌تواند در صورت اهتمام این کشورها به پارادایمی نوین در روابط بین‌الملل و پایانی بر یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی خودنمایی کند. اگر آمریکا با اهرم اقتصاد کشورها را تحت سلطه درمی‌آورد باید با همین ابزار آمریکا را مهار کرد. پیگیری چنین رویکردهایی می‌تواند در مسیر سیاست نه شرقی نه غربی تلقی شود که سودش بیشتر از زیانش است و می‌تواند در مسیر پیشرفت همه‌جانبه کشور مؤثر افتد (سلیمانی، ۱۳۹۸).

روش‌شناسی

پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی و از نوع توسعه‌ای-کاربردی است. قلمرو زمانی، سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ خورشیدی است. داده‌ها از دو روش میدانی و اسنادی گردآوری شده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش محتوایی و توزیع دومرحله‌ای پرسشنامه بهره‌برداری شد. جامعه آماری ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و نخبگان حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان هستند. در طراحی پرسشنامه با روش دلفی و با استفاده از نظر متخصصان روابط بین‌الملل، پرسشنامه مقدماتی تهیه و در دو مرحله بین خبرگان پخش شد. پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه گردید. برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرون باخ استفاده شده و یک نمونه اولیه شامل ۱۵ پرسشنامه بین استادان دانشگاه اصفهان پیش آزمون گردید. سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده و به کمک نرم‌افزار SPSS، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرون باخ بزرگ‌تر از ۰/۹ به دست آمد. بنابراین پرسشنامه از اعتماد لازم برخوردار است. عزت، حکمت و مصلحت متغیر مستقل و امنیت ملی متغیر تابع پژوهش هستند.

یافته‌های پژوهش

مصاحبه دور اول با این پرسش همراه بود که آیا مفاهیم سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت بر امنیت ملی و سیاست خارجی تأثیر دارد یا خیر؟ اعضای پانل دلفی، ضمن ارائه مصادیق این رابطه، به این پرسش بدون اختلاف، پاسخ مثبت دادند. پس از نظر آنان رفتار سیاست خارجی ج.ا.ایران باید مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت باشد. در دور دوم مصاحبه، پرسش از "آیا" به "چگونه" تغییر یافت که در این دور همه اعضا حول موضوعات اختلافی به اشتراک نظر دست یافتند. عزت در نگاه معظم‌له، به‌طور خلاصه، سیادت و تحمیل هیچ قدرتی را نپذیرفتن، حکمت، هنر نزدیک کردن مواضع طرف مقابل به مواضع خود و مصلحت، پرهیز از رویکردهای کوتاه مدت در سیاست خارجی و توجه به مصالح برآمده از شرع و سنت و مصالح درازمدت نظام جمهوری اسلامی، در نظر گرفته شده است.

۱) عزت، حکمت و مصلحت از منظر مقام معظم رهبری

ترکیب سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری به کار برده شد. ایشان در موقعیت‌های متعدد مسئولان دستگاه دیپلماسی را به این ترکیب و اهمیت آن در

سیاست خارجی دعوت کرده‌اند. برای شفاف‌تر شدن این تعبیر سه‌گانه، باید به ایضاح مفهومی و سپس عملیاتی کردن آن‌ها همت گمارد تا دانست که سیاست خارجی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت چیست؟ و چه تفاوتی با سیاست خارجی خالی از این عناصر دارد؟ در همین راستا باید به این پرسش مهم پاسخ گفت که تأثیر عزت، حکمت و مصلحت بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ آیا این گفتمان برای ایران تولید قدرت می‌کند؟ در صورتی که پاسخ به این پرسش مثبت باشد، این تولید قدرت چه جنبه‌هایی دارد و تأثیر آن به‌طور ملموس در سیاست خارجی و پیشبرد منافع ملی ایران چگونه است. این موضوع حداقل از دو منظر اندیشه سیاسی و سیاست عملی اهمیت دارد.

جایگاه کلیدی مفاهیم سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت به‌گونه‌ایست که می‌توان این‌ها را در زمره اصول الزام‌آور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. می‌توان کل تاریخ اندیشه سیاسی غرب را بر اساس تحول مفهوم مصلحت روایت و قرائت کرد. تداوم این مفهوم از دوران باستان تا اکنون بیانگر اهمیت آن است. گذشته از اندیشه سیاسی در غرب، این موضوع به دلایلی چند در میان اندیشمندان اهل سنت بیش از شیعیان مورد توجه بوده و می‌توان به سابقه طولانی‌تر درگیری فقه سیاسی اهل تسنن با حکومت و مهیاتر بودن عناصر مربوط به مصلحت از جمله استصلاح، استحسان و مصالح مرسله در قیاس با فقه شیعه اشاره کرد.

از بُعد سیاست عملی، کاربرد وسیع واژه‌های عزت، حکمت و مصلحت در موقعیت‌های گوناگون توسط مدیران نظام تا جایی ادامه یافته که گاه ابزاری برای جلوگیری از جریان یافتن قوانین جاری کشور است. با توجه به جمیع نکات مطروحه، گفتمان مصلحت می‌تواند با نقش تسهیل‌کنندگی خود، به هنگام مشکلات و چالش‌های نظری و عملی، راهگشای جامعه دینی باشد. ایضاح مفهومی تعابیر عزت، حکمت و مصلحت با استعانت از چارچوب اندیشه امامان انقلاب اسلامی ضمن روشن کردن معانی آن‌ها و کاستن از تشتت و اختلاف تفاسیر در میان اندیشمندان و سیاسیون، می‌تواند مبنا و مستمسک دقیقی برای اقدام در عرصه سیاست خارجی برای رسیدن به امنیت ملی باشد. یکی از مشکلات ساختاری سیاست خارجی ج.ا.ایران، نبود برنامه راهبردی در این عرصه است. به عبارت بهتر دیپلماسی برای آنکه همواره موفق و روشن باشد، باید برنامه‌محور و راهبردی باشد. اگر این مهم تحقق یابد، ما شاهد چرخش‌های بسیار در دستگاه دیپلماسی، هم‌زمان با تغییر دستگاه اجرایی نخواهیم بود.

یکی از تبیین‌ها درباره چرخش سیاست خارجی هم‌زمان با تغییر دولت‌ها، آن است که دستگاه دیپلماسی در جمهوری اسلامی ایران، سند استراتژیک ندارد. اگر این برنامه راهبردی، در ابعاد کوتاه، میان و بلندمدت به‌طور شفاف تدوین شود، آنگاه می‌توان انتظار داشت سیاست خارجی برآیندی از اهداف نظام جمهوری اسلامی و نه اهداف دولت‌ها باشد. تعبیر عزت، حکمت و مصلحت که همواره توسط مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی مورد تأکید است، این ظرفیت را دارد که به چارچوبی کلان و به تبع آن برنامه راهبردی روشن بدل شود تا دیپلماسی همواره و در همه دولت‌ها بر محور آن حرکت کند.

پژوهش‌های صورت گرفته درباره مفاهیم عزت و حکمت، در مسیر ایضاح لغوی و اصطلاحی این مفاهیم گام برداشته‌اند. اگرچه ایضاح مفهومی هر پدیده یا واژه و پرداختن معنایی به آن، پیش شرط و مقدمه هر پژوهشی است اما فرارفتن از این مقام و گام برداشتن در مقام استفاده کاربردی و عملیاتی از این مفاهیم، آفتی است که بیشتر پژوهش‌ها به آن مبتلا هستند. به عبارت بهتر این پژوهش‌ها به درستی واژه‌های عزت و حکمت را از منظر قرآن و سنت و در منابع معتبری چون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، معنانشناسی کرده‌اند، اما آنجا که به مقام بهره‌مندی عملی از این معانی می‌رسیم، درمی‌یابیم که تعاریف کلی و انتزاعی است. آنچه در این میان فراموش شده، پرداختن به سازوکار عزتمند و حکیم بودن است. پیشتر هنگام بررسی متون اشاره شد که در تعاریف اصطلاحی عزت و حکمت به ترتیب آورده‌اند: «مغلوب نشدن انسان و ظلم و ستم ناپذیری او در برابر مستکبران»، «واژه حکمت به معنای علم باارزشی که همراه با عمل می‌باشد» و یا باز درباره معنای حکیم متناسب با کلام امیرالمؤمنین^(ع) اشاره شد که «حکیم آن است که زندگی خود را بر اساس و محور اصول اخلاقی پیش برد»، اما این تعبیر با رسیدن به انتهای تعریف، دست خود را از دست انسان طرف بحث جدا می‌کند، چرا روشن نمی‌شود که اولاً ستم ناپذیری، علم باارزش، اصول اخلاقی، چیست؟ و با فرض نادیده گرفتن این نقیصه، ابهام اصلی آن است که با شرایط زمانی و مکانی حاضر، بهترین سازوکار و روش مقابله با دشمن کدام است تا با تسلیم نشدن در برابر او، جامعه‌ای متناسب با قرآن و روایات داشته باشیم.

عزت (۱-۱)

در این مرحله بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری ۹ پرسش طرح شد. در تحلیل نتایج باید گفت که متناسب با بازخورد پرسشنامه نخست و دیدگاه مقام معظم رهبری اعضای پانل دلفی

درباره موضوعات زیر از شاخص عزت، نظرات زیر را داشته‌اند:

- هرگونه شکست در دستیابی به اهداف سیاست خارجی با عزتمند بودن و تأمین امنیت ملی منافات دارد؛
- ایران امروزه در اذهان کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای غربی و آمریکا، کشوری امن و شکست‌ناپذیر است؛
- ادامه کمک به حزب‌الله و حماس به عزتمند بودن ایران کمک می‌کند و امنیت ملی و منطقه‌ای را تأمین می‌نماید.
- موفقیت ایران در از بین بردن گروه‌های تکفیری- تروریستی مثل داعش، به معنای عزت و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه است؛
- تلاش آمریکا در ایجاد شکاف میان کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران یا هر اقدامی برای تغییر نظام ج.ا.ایران، تغییر رفتار ایران و یا منزوی کردن ایران با سیاست‌های اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی به معنای شکست‌پذیر بودن ج.ا.ایران در اذهان سیاست‌مداران آمریکایی است. به عبارت بهتر، سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران، حکایت از آن دارد که در اذهان سیاست‌مداران آمریکایی، ایران قابل شکست دادن است. در نتیجه: عدم انفعال در عرصه سیاست خارجی؛ حضور مؤثر و مداوم در حل مسایل و موضوعات حوزه خلیج فارس؛ مشارکت در حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و عدم امکان حذف ایران از سازمان‌های بین‌المللی درگیر در موضوعات جهانی اعم از محیط زیست، مهاجرت، تروریسم و... توصیه می‌شود.

۲-۱) حکمت

- در این مرحله نیز بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری ۹ پرسش مطرح شد. نتایج پرسشنامه نشان داد، اعضای پانل دلفی درباره این موضوعات شاخص حکمت، نظرات زیر را داشته‌اند:
- در عرصه سیاست خارجی رفتار حکیمانه برای حفظ امنیت ملی و نظام، با عدول از مواضع منافات دارد؛
 - برای حفظ امنیت ملی هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی نباید از اصول و ارزش‌های حاکم بر نظام ج.ا.ایران عدول کرد؛
 - در شرایط پیچیده کنونی در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، همواره محتمل

است کشورها متناسب با اوضاع جهان، منافع ملی، اهداف و مواضع خود را تغییر دهند؛

- اگر زمانی امنیت ملی و بقای نظام ج.ا.ایران در خطر باشد، عدول از برخی اهداف، به صورت موقتی جهت حفظ نظام، رفتاری حکیمانه است.

به طور خلاصه در نگاه اعضای پانل دلفی، رفتار سیاست خارجی حکیمانه منجر به آن می-شود که خواست و نظر ج.ا.ایران، در حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اعم از موضوعات مربوط به ایران و غیر ایران اعمال گردد.

۳-۱) مصلحت

در این مرحله بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری ۸ پرسش مطرح شد. نتایج نشان داد:

- بزرگترین مصلحت برای نظام ج.ا.ایران ایجاد ثبات برای حفظ نظام است. امامان انقلاب اسلامی حفظ نظام را اوجب واجبات می‌دانند؛

- ادامه رویکرد تقابلی و تهاجمی نسبت به غرب و در رأس آن‌ها آمریکا، به مصلحت نظام ج.ا.ایران است؛

- کمک به حزب‌الله، حماس و دولت سوریه، با وجود هزینه‌های مادی و غیرمادی که برای ایران به همراه دارد، به مصلحت ج.ا.ایران است؛

- متعلق مصلحت در نظام ج.ا.ایران باید کسب ارزش‌ها و منافع اخروی باشد؛

- متعلق مصلحت در نظام ج.ا.ایران باید حفظ قدرت، پیشرفت اقتصادی و فناورانه و رفاه مردم باشد؛

- قدرت، پیشرفت فناورانه و رفاه مردم، از این جهت مهم است که حصول اهداف دیگری از جمله عمل به دستورات شرع و حصول منافع اخروی از این طریق بهتر صورت می‌گیرد؛

- قدرت، پیشرفت فناورانه و رفاه مردم، فی‌نفسه به مصلحت است به خصوص زمانی که کسب و حصول اهداف و منافع دیگری از جمله: عمل به دستورات شرع و حصول منافع اخروی، از طریق آن بهتر صورت گیرد؛

- عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، عرصه‌ای است که کسب منافع اخروی و دینی را در پرتو تأمین منافع ملی، کسب حداکثر قدرت و تأمین حداکثر منافع مادی و رفاهی می‌داند.

از نگاه اعضای پانل، مصلحت موردنظر ج.ا.ایران، مفهومی پنهان‌شده در قالب منفعت ایران نیست، بلکه مفهومی است که در صورت عملیاتی شدن، منافع آن نه تنها منطقه که تمام جهان به

ویژه کشورهای مظلوم را نیز پوشش می‌دهد. این مفهوم برآمده از دین مبین اسلام است که اختصاص به گروه و کشور خاصی ندارد. اگر سیاست خارجی در این مسیر حرکت کند و با عزت در مجامع بین‌المللی حاضر شود، همواره به داشته‌های خود به چشم افتخار می‌نگرد و سروری هیچ گروهی را نمی‌پذیرد. با عنایت به همین اقتدار و عزت نفس و با توسل به هنر دیپلماسی عمومی و غیرعمومی، سیاست خارجی می‌تواند مواضع طرف‌های مقابل را به دیدگاه خود نزدیک کند. درست از منظر همین پیوستگی است که مقام معظم رهبری، عزت، حکمت و مصلحت را چونان مثلثی الزام‌آور در عرصه سیاست خارجی معرفی نموده‌اند.

۲) تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایران بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

بیانیه گام دوم در حوزه سیاست خارجی از منظر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) عبارت‌اند از:
 ۱) ایران هیچ‌گاه آغازگر جنگ، درگیری و تنش با دولت و کشور دیگری نبوده است. این دیگران بودند که مثل صدام یا آمریکا یا عربستان آغازگر تنش، درگیری و توطئه علیه ایران بودند. این مسئله نشان‌دهنده سیاست مسالمت‌آمیز و در حقیقت مثبت ایران است که به خصوص با کشورهای همسایه همکاری می‌کند و به دنبال ایجاد آشوب و بی‌ثباتی در منطقه نیست؛

۲) انقلاب اسلامی هیچ‌گاه بی‌رحم و خون‌ریز نبوده است. ما بایستی در تبلیغاتمان و در دفاع از اسلام این مورد را در نظر داشته باشیم که وحشیگری این گروه‌ها را از ساحت اسلام میرا و به دنیا اعلام کنیم چنین حرکتی هیچ ارتباطی با اسلام ندارد؛
 ۳) هدف انقلاب اسلامی ایجاد تمدن اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمای حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله تعالی فرجه است. به این معنا که ایده‌های بزرگ مثل وحدت جهان اسلام به معنای واقعی و تشکیل امت واحده در زمان امام‌زمان (عج) محقق خواهد شد؛

۴) تجربه‌ای که انقلاب اسلامی ارائه داده تجربه‌ای بی‌سابقه بوده که همانند آن وجود ندارد. این مطلب اشاره به الگوهای انقلابی و اسلامی دارد که در تاریخ معاصر و شاید قرون قبلی شاهد آن بودیم. در دوران پس از جنگ جهانی دوم یک نظام دوقطبی بر دنیا حاکم شده بود. ولی مقام معظم رهبری معتقدند که با پیروزی انقلاب اسلامی در حقیقت نظام

دوقطبی به نظام سه قطبی تبدیل شد. جمهوری اسلامی نه وابسته به بلوک شرق و نه غرب بوده است و الگویی متفاوت از آن دو قطب را ارائه می‌دهد؛

۵) افزایش چشم‌گیر بینش سیاسی آحاد مردم ایران در اثر انقلاب اسلامی. انقلاب اسلامی بر پایه جهل و ناآگاه‌نگه داشتن مردم شکل نگرفته، بلکه پایه انقلاب اسلامی بر اساس علم، آگاهی و بصیرت مردم است؛

۶) مفهوم نهضت، بیداری اسلامی است. از اواخر سال ۱۳۸۹ تحولات جدیدی در جهان عرب اتفاق افتاد و چندین نظام در تونس، مصر و یمن سرنگون شدند و این بحث از طرف جمهوری اسلامی مطرح شد که از این تحولات به عنوان بیداری اسلامی یاد کردند. معنای بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری بیداری ملت‌های مسلمان برای مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم است و این تعریفی واضح و منطبق با تحولات منطقه‌ای است؛

۷) ناپیستی از تهدیدات آمریکایی‌ها و حتی برخی کشورهای اروپایی ترسید. این‌ها در حقیقت به دنبال عملیات روانی هستند تا بر روند تصمیم‌سازی میان مسئولین جمهوری اسلامی تأثیر بگذارند. آمریکا در وضعیتی نیست تا بخواهد جنگی را علیه ایران شروع کند.

نتیجه‌گیری

در امنیت ملی، بر عناصر قدرت خودی، توانایی‌ها و امکانات داخلی تأکید می‌شود. این تعریف داری رویکرد «حفظ محور» است و بر قطع وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برای کاهش آسیب‌پذیری از بیگانگان تأکید دارد. خوداتکایی و خودکفایی و کفایت ملی، راهبردهای اصلی این رویکرد تلقی می‌گردند. در نظام ج.ا.ایران، مطابق با قانون اساسی و جایگاه فراجناحی رهبر در آن، سنجش و تشخیص مصلحت جامعه جزء وظایف و اختیارات ولی‌فقیه است که این مهم را از طریق مشورت با مراجع قانونی مشخصی انجام می‌دهد. سیاست خارجی نیز یکی از حوزه‌های تصمیم‌گیری و نظارت ولی‌فقیه است. بنابراین مصلحت‌سنجی در سیاست خارجی در واقع زمانی رخ می‌دهد که تصمیمی گرفته و به مقتضای آن عمل شود که در کوتاه مدت اگرچه کشور ایران ناچار است هزینه‌های آن را متحمل شود، اما منافع اصیل و درازمدت جمهوری اسلامی که مورد تأیید قرآن است از طریق آن حاصل می‌شود.

به‌طورکلی، در عرصه سیاست خارجی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که رفتاری مصلحت‌محور است که برای حال و آینده جمهوری اسلامی دارای منفعت باشد. نکته حائز اهمیت در این باب آن است که قرائت بالا در رابطه با جایگاه ولی‌فقیه دربارهٔ سنجش و تشخیص مصلحت همیشه مورد وفاق اندیشمندان نیست. مخالفان، علاوه بر استناد به قانون اساسی و جایگاه ولی‌فقیه در آن، پرداختن به قید «مطلقه» در مفهوم «ولایت مطلقه فقیه» و همچنین استناد به اصول علم اخلاق معتقدند که سنجش مصلحت در سیاست داخلی و خارجی نظام ج.ا.ایران، همواره باید با عنایت به منافع ملی کشور و ملت صورت گیرد. هم از این نظر و هم از باب ابتکار امام‌خمينی^(ره) در کاربست نوین مفهوم مصلحت پس از انقلاب اسلامی و فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام و از جهت آنکه همان‌گونه که در بیانات رهبر معظم انقلاب^(مدظله‌العالی) شاهد آن بودیم، گویا مفهوم مصلحت چنان جایگاهی در اندیشه ج.ا.ایران دارد که مفاهیم دوگانهٔ عزت و حکمت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به عبارت بهتر می‌توان این‌گونه گفت که آنچه به مصلحت اسلام است همان است که بر خواسته از حکمت و هم‌راستا با حصول عزت برای اسلام و مسلمین است.

روابط خارجی مستقل در چارچوب وابستگی متقابل و منافع ملی و کاهش و قطع وابستگی یک‌طرفه معنی می‌یابد و جایگاه هر کشوری بر اساس قدرت ملی در هرم نظام بین‌الملل تعریف می‌شود و بی‌توجهی به سود و زیان در سیاست خارجی آفت‌های زیاد جبران‌ناپذیری را پدید می‌آورد. برقراری توازن در سیاست خارجی حول محور منافع ملی متکی بر مؤلفه‌های واقعی قدرت ملی یک ضرورت است. پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی بحران اقتصادی است پس در حوزه سیاست خارجی باید رویکرد اقتصادی - سیاسی - فرهنگی - نظامی - امنیتی دارای اولویت بیشتری نسبت به رویکرد نظامی - امنیتی - سیاسی - اقتصادی باشد.

در زمینهٔ عزت منظور مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) عزت ملی است یعنی ملت ایران ملت عزیزی است، سلطه‌پذیر نیست و در مقابل فشارها مقاومت کرده و سر تعظیم فرود نمی‌آورد. این مورد را دولت به عنوان نماینده‌ی ملت بایستی در سیاست خارجی اعمال کند. عزت ملی بایستی در سیاست خارجی و روابط خارجی ایران با دیگر کشورها نمایان باشد نه این‌که ملت از عزت برخوردار باشند. در مسئلهٔ حکمت نیز رهبر انقلاب به روابط خارجی اشاره دارند. به این معنا که هرچند ما انتقادات گسترده‌ای به نظام استکبار جهانی داریم ولی مصلحت ما این نیست که ارتباط خود با جهان را قطع

کنیم بایستی درعین حال که روابطمان را با دیگر کشورها حفظ می‌کنیم اما روابطمان بر اساس مصلحت و مرزبندی با دشمن باشد؛ یعنی کاملاً آگاه باشیم که خط و محور تقابل و خاک ریز اصلی که در مقابل دشمن ترسیم شده است، کجاست و حدود خود را از دشمن جدا کنیم.

رهبر انقلاب مرزبندی با دشمن را در بحث مصلحت نظام بیان می‌کند. به مصلحت نظام است که با دیگر کشورها مرزبندی داشته باشیم نه این‌که تنها به کلیات اکتفا کنیم و مسائل را مبهم بیان کنیم به‌گونه‌ای که مشخص نباشد دوست و دشمن کیست. بایستی رودربایستی را کنار گذاشته و با شجاعت و حکمت دوست را از دشمن جدا کرده و ایشان را به مردم و دنیا معرفی کرد تا نشان داده شود که ایران به دنبال قطع روابط با دنیا نیست بلکه صرفاً در مقابل دشمنی برخی دولت‌ها موضع قوی و تقابلی خواهد گرفت. رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه «گام دوم انقلاب» با مرور تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند: انقلاب «وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است». گام دوم باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ)» برداشته شود.

در بحث امنیت ملی و فعالیت در عرصه بین‌المللی، آن رفتاری از منظر قرآن کریم و سیره ائمه معصومین^(ع) و به تبع آن، چارچوب اندیشه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) عزت‌مندانه است که برای کشور توأم با سربلندی و بزرگی و شکست‌ناپذیری باشد. هرگونه شکست در دستیابی به اهداف سیاست خارجی با عزتمند بودن ج.ا.ایران منافات ندارد. تلاش آمریکا در ایجاد شکاف میان کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران یا هر اقدامی جهت تغییر نظام ج.ا.ایران، تغییر رفتار ایران و یا هر اقدامی جهت مزوی کردن ایران از طریق سیاست‌های اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی به معنای شکست‌پذیر بودن ج.ا.ایران در اذهان سیاست‌مداران آمریکایی است. به عبارت بهتر، سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران، حکایت از آن دارد که در اذهان سیاست‌مداران آمریکایی، ایران قابل شکست دادن است.

در بحث امنیت ملی و سیاست خارجی، آن رفتاری از منظر قرآن کریم و سیره ائمه معصومین^(ع) و به تبع آن، چارچوب اندیشه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) حکیمانه است که به آینده‌نگری، رفتار مسئولانه و داشتن نگاه بلندمدت، در نظر داشتن مصلحت اسلام و نظام اسلامی و همچنین بهره‌گیری از آموزه‌های عملی دین اسلام همچون تقیه، تأکید داشته‌اند. رفتار سیاست

خارجی زمانی حکیمانه است که در حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اعم از موضوعات مربوط به ایران و غیر ایران، بیشتر خواست و نظر ج.ا.ایران، تأمین شود. مثل بحران عراق و سوریه. رفتار حکیمانه الزاماً به معنای پیگیری یک سیاست در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها نیست. چراکه اهداف در سیاست خارجی، متناسب با توان و منافع ملی کشورها فهرست می‌شوند. لذا همواره احتمال آن وجود دارد که تحت تأثیر تغییر در شرایط داخلی و خارجی، در سلسله‌مراتب اهداف کشورها و از جمله کشور ایران تغییراتی صورت گیرد و این مسئله با رفتار حکیمانه در عرصهٔ سیاست خارجی و خدشه‌دار نشدن امنیت ملی منافات ندارد.

آنچه در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد، حفظ نظام است. به مقتضای همین اولویت، در شرایط اضطراری، یعنی آنگاه که موجودیت نظام در خطر باشد، می‌توان متناسب با قاعده اهم و مهم رفتار کرد، به نحوی که حتی از برخی مواضع به نحو موقتی می‌تواند عدول صورت گیرد، چراکه به فرمودهٔ امامان انقلاب اسلامی حفظ نظام واجب و اجبات است. حصول امنیت ملی ایجاب می‌کند اگر زمانی اصل و موجودیت نظام در خطر باشد و ادامه دشمنی علیه آمریکا، موجودیت نظام را با خطر روبه‌رو سازد، می‌توان از طریق تعامل با سایر کشورهای جهان به نحو موقتی دشمنی آمریکا را علیه ج.ا.ایران دور زد و یا به تأخیر انداخت، مثل تعامل فعلی ج.ا.ایران با اتحادیه اروپا و چین و روسیه. رفتار حکیمانه در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، با عدول از ارزش‌ها منافات دارد، چون امنیت ملی را مخدوش می‌سازد. نباید از اصول و ارزش‌های حاکم بر نظام ج.ا.ایران عدول صورت گیرد، اما اگر زمانی بقای نظام ج.ا.ایران در خطر باشد، عدول از برخی منافع، به صورت موقتی جهت حفظ نظام رفتاری حکیمانه است.

در بحث امنیت ملی و سیاست خارجی، آن رفتاری از منظر قرآن کریم و سیره ائمه معصومین^(ع) و به تبع آن، چارچوب اندیشه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) مصلحت است که آنچه به مصلحت اسلام است همان است که بر خواسته از حکمت و همراهی با حصول عزت برای اسلام و مسلمین است. مصلحت موردنظر ج.ا.ایران، مفهومی پنهان‌شده در قالب منفعت ایران نیست، بلکه مفهومی است که در صورت عملیاتی شدن منافع آن، تمام جهان و به خصوص کشورهای مظلوم را نیز پوشش می‌دهد، چراکه برآمده از دین مبین اسلام است و دین اسلام اختصاص به گروه و کشور خاصی ندارد. لذا سیاست خارجی که در این مسیر حرکت کند، اگر باعزت در مجامع بین‌المللی حاضر شود و همواره به داشته‌های خود به چشم افتخار نگردد و سروری هیچ

گروهی را نپذیرد، با عنایت به همین اقتدار و عزت نفس و با توسل به هنر دیپلماسی عمومی و غیرعمومی، بتواند مواضع طرف‌های مقابل را به دیدگاه خود نزدیک کند؛ آنگاه می‌تواند مصالح موردنظر خود که مصالح دنیا و آخرت است را پیاده سازد. درست از منظر همین پیوستگی است که مقام معظم رهبری، عزت، حکمت و مصلحت را چونان مثلثی الزام‌آور در عرصه سیاست خارجی معرفی نموده‌اند.

کتابنامه

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰). مصلحت، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۹۹). بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دسترسی: www.khamenei.ir
- حق‌پناه، رضا (۱۳۸۱). عزت از منظر قرآن و سنت، مجله‌الهیات و حقوق، شماره ۴ و ۵. صص ۱۵۴-۱۲۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۹). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- سلیمانی، افشار (۱۳۹۸). مصاحبه با سفیر اسبق ایران در آذربایجان و پژوهشگر و تحلیلگر مسائل منطقه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶). تفسیر المیزان، به کوشش سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد هفدهم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). مجمع‌البیان لعلوم القرآن، نشر بیروت: موسسه علمی.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۷). درآمدی بر درک امنیت ملی و ماهیت تهدیدات، تهران: دعا.
- مکارم شیرازی، آیت‌الله ناصر و همکاران (۱۳۷۶). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- Mearshiemer, john (2001). The tragedy of Great Power Politics. NewYork: Notron Company.
- Schweller, Randal L. (1996). Neorealism Status QuoBais: What Security Dilemma, Security Studies, Vol 5, No 3.
- Taliafero. Jeffrey W. (1999). Security under Anarchy, Columbia International Affairs, Washington. D.C.